معارف حکمی جامعه ▪ دوفصلنامه علمی تخصصی
سال چهارم ▪ شماره هفتم ▪ پاییز و زمستان ۱۴۰۲

بررسی تطبیقی دیدگاه سلفیه تکفیری و اهل‌سنت درباره احتفال مولد نبیﷺ

اعظم یوزباشی[۱]

چکیده

مسئله بزرگداشت میلاد رسول اکرمﷺ در میان مسلمانان، در شمار اعمال پسندیده قرار دارد و هر ساله، ایام دوازدهم تا هفدهم ماه ربیع‌الاول را به یمن ولادت آن حضرت به جشن و سرور می‌پردازند. سلفیان به‌عنوان یکی از گروه‌های نوظهور در میان مسلمانان، مراسم احتفال را بدعتی شرعی برمی‌شمارند. آنها معتقدند هر فعل محدثی که آیه‌ای از قرآن کریم صراحتاً بر جواز آن دلالت کند یا در زمان نبی مکرم اسلامﷺ انجام شده باشد، انجام آن برای مسلمانان جایز است وگرنه آن عمل، بدعت شرعی و حرام است. سردمداران این تفکر، برگزارکنندگان احتفال را مشرک می‌دانند و از راه زبان و عمل، مسلمانان را مورد طعن خود قرار می‌دهند و حتی اقدام به کشتن آنها می‌کنند. این نوشتار با استفاده از روش توصیفی ـ تحلیلی، ابتدا به بیان ادله سلفیان بر بدعت بودن عمل احتفال پرداخته و سپس با استفاده از دیدگاه‌های برخی علمای اهل‌تسنن، آنها را نقد نموده است. حاصل تحقیق آن شد که هیچ‌کدام از ادله آنها پشتوانه عقلی و نقلی ندارد و فاقد اعتبار لازم است.

واژگان کلیدی: احتفال مولد پیامبر اسلامﷺ، بدعت، سنت، سلفیه تکفیری.

---

۱. دانش‌پژوه سطح سه کلام اسلامی جامعة الزهراءﷺ، قم، ایران؛ esrafim72@yahoo.com.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۴

مقدمه

سلفیان دو مبنای کلی بر بدعت بودن احتفال مولد نبیﷺ دارند: الف) سنت ترکیه و ب) تشبه به کفار و تقلید از روافض. البته ادله دیگری هم مطرح می‌کنند که در ادامه نوشتار، آنها را نیز به تفصیل بیان و بررسی می‌کنیم.

سنت ترکیه، به امور متروک از سوی رسول اکرمﷺ و صحابه مربوط می‌شود. براین‌اساس می‌گویند اگر برگزاری جشن میلاد، امری شایسته و شرعی بود، باید خود پیامبرﷺ و یا صحابه بر انجام آن اهتمام می‌ورزیدند و چون این کار را نکردند، ما نیز اجازه انجام چنین عملی را نداریم. در مورد تشبه به کفار نیز معتقدند چون مسیحیان در روز میلاد حضرت عیسیؑ جشن می‌گیرند، اگر ما نیز روز میلاد پیامبرمان را جشن بگیریم، به آنها شباهت پیدا می‌کنیم و تشبه به کفار، امری قبیح و حرام است.

این دو دلیل و دیگر دلایل، با نصوص شرعی و سنت آن حضرت در تعارض و تقابل است و علمای اسلام به همگی این ادله پاسخ‌هایی داده‌اند.

۱. مفهوم‌شناسی

۱ـ۱. بدعت

بدعت در لغت، از ماده (ب د ع) می‌آید و به دو معناست: الف) ساختن چیزی که مثال و شبیهی ندارد؛ ب) الانقطاع و الکلال (ابن‌فارس، ۱۹۷۹، ج۱، ص۲۰۹).

بدعت در اصطلاح نیز دارای دو معناست: الف) نوآوری در دین و چیزی که جزء دین نیست را جزء آن به حساب آوردن؛ ب) امر محدثی که به دین اضافه شده است، ولی این احداث، مستند به هیچ امر شرعی به طریق عام یا خاص نیست (جیزانی، ۱۹۹۸، ص۲۰). بدعت بر دو قسم است: بدعت در امور عادی، مثل اختراع وسایل جدید که مباح است؛ و بدعت در دین، که امری حرام است.

در کتاب مفهوم البدعه سه دیدگاه در رابطه با اقسام تعریف، بدعت ذکر شده است:

الف) آنها که مفهوم بدعت را توسعه دادند و برای آن احکام خمسه قائل‌اند. اینها بدعت شرعی و لفظی را به یک معنا می‌دانند.

ب) آنهـا کـه مفهوم بدعت را ضیق کرده و فقط یک قسـم بـرای آن قائل‌اند و آن بدعت حرام است.

ج) آنهـا کـه معتقدنـد اگر امـور محدثه به هـر نحوی تحت اصول شـرع قـرار گیرد اصلاً بدعـت نامیـده نمی‌شـود. ایـن گروه «بدعت حسـنه» را قبـول ندارند؛ زیـرا معتقدند بدعت امری است که متعارض با اصول شرع است (العرفج، ۲۰۱۲ م، ص۶۹ ـ ۷۰).

۲ـ۱. سنت

سـنت در لغـت بـه معنـای روش، سـیره، طریقه و شـیوه اسـت (معطوف، ۱۳۸۷، ج۱، ص۷۸۰). سنت در اصطلاح، همان طریقه پیامبر اکرم ﷺ در قول و فعل و تقریرات و تروک‌شان به نحو عموم اسـت (الخلیل، ۱۴۰۳، ص۴۹). شـافعی با طرح این اندیشـه که سنت نبوی (نه صحابه و تابعین)، مفسـر ظواهر کتاب اسـت، مکتبی حدیث‌گرا را به وجود آورد و تعریف سـنت را به «قول و فعل و تقریر پیامبر ﷺ» محدود کرد (فرمانیان، ۱۳۸۹، ص۳۶).

۳ـ۱. احتفال

احتفال در لغت، از ماده حفل می‌آید و به معنای اهمیت دادن به امری است، و گرد آمدن مردمی بسـیار. احتفلوا به، یعنی برای احترام و بزرگداشـت او گرد آمدند (معطوف، ۱۳۸۷، ج۱، ص۳۰۷) و احتفلوا، ای اجتمعوا (الجوهری، ۱۹۸۷، ج۴، ص۱۶۷۰).

احتفال در اصطلاح، شاملِ بازی، سرگرمی، مراسم جشن و عروسی، اعیاد و مناسبات اجتماعـی، زیارات موسـمی و مسـابقات و تولد فرزند و... اسـت (فاکهـی، ۱۴۲۴، ج۳، ص۲۱). مراسـم جشـن و بزرگداشت، سـابقه‌ای بسیار طولانی دارد که هر مردمی با هر فرهنگ و زبان مستقل، در تمامی اعصار تا به امروز، از آن بهره‌مند بوده‌اند (همان، ص۲۲ ـ ۲۳).

۴ـ۱. سلف

سـلف در لغـت بـه معنی گذشـتگان و نیـاکان اسـت (معطوف، ۱۳۸۷، ج۱، ص۷۶۵). سـلف الرجل یعنی اجداد گذشته که جمع آن «اسلاف» است (الجوهری، ۱۹۸۷، ج۴، ص۱۳۷۶).

سـلف در اصطـلاح بـه پیروان خـط فکـری ابن‌تیمیه گفته می‌شـود. او معتقـد بود باید از سـلف اصحـاب حدیـث (صحابـه و تابعیـن تـا قرن سـوم) پیروی کـرد؛ زیرا فهم سـلف،

بهترین فهم‌هاست. درواقع می‌توان سلفیه را حنابله‌ای نامید که از اصحاب حدیث پیروی می‌کردند (فرمانیان، ۱۳۸۹، ص۱۵۲).

۲. پیشینه احتفال

مکه و مدینه قبل و بعد از اسلام، از احتفالات متنوعی برخوردار بوده است (السباعی، ۱۴۱۹، ص۶۱). اوضاع هنری مکه در عصر جاهلی، شاهدِ جشن‌های گوناگون و عمومی بسیار بوده است که زنان و مردان به‌صورت مختلط در مراسم حضور پیدا می‌کردند. کیفیت مجالس به‌گونه‌ای بود که با قرار دادن تخت و صندلی و آراستن مکان و پذیرایی با انواع میوه‌ها، رقص و پای‌کوبی، نوشیدن شراب و قصه‌گویی، جشن‌ها را اداره می‌کردند و در جشن‌های عروسی، کنیزکان از فرط شادی از سر و کول یکدیگر بالا می‌رفتند و نوازندگان به نواختن دف و تنبور مشغول بودند (همان). در مکه بازارهایی بود که برای برگزاری جشن‌های موسمی دائر می‌شد، مانند بازار عکاظ، بازار مجنة و ذی‌المجاز که در آن برای تفاخر به نَسَب، شرف و خصلت‌های پسندیده، مانند جود، کرم و مروت، جشن برگزار می‌شد که ازجمله شرکت‌کنندگان همیشگی آن، بنی‌امیه و بنی‌هاشم بودند (ازرقی، ۱۴۱۶، ص۱۷۹ ـ ۱۹۰).

در جشن‌های قریش که امویان و مخزومیان برگزار می‌کردند، زنانی را که در غنا، لهو و توزیع و تعارف شراب تبحر داشتند به کار گماشته بودند. آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ﴾ (لقمان:۶) اشاره به لهو و بیهودگی رفتاری برخی همچون نضربن‌حارث دارد که یکی از اسلوب‌های وی برای دور ساختن افراد از اطراف رسول خدا ﷺ، فراخواندن اشخاص متمایل به اسلام به خانه خود و آوازخوانی کنیزان و نوشیدن شراب بود (بغوی، ۱۴۲۰، ج۳، ص۵۸۴ و ثعلبی، ۲۰۰۲، ج۷، ص۳۱۰). با نگاهی اجمالی به اوضاع هنری مکه قبل از اسلام، روشن خواهد شد که مردم با برگزاری جشن و شادی مأنوس بوده‌اند.

با ظهور اسلام، بسیاری از سنت‌های مرسوم جاهلی که قابل اصلاح بود، تغییر کرد (خطراوی، ۱۴۰۴، ص۴۰ـ۴۲). براین‌اساس، آنچه از جشن‌ها که قابلیت اصلاح داشت، تصحیح شد و لهویات آن حذف گردید و آن دسته از مراسم که قابلیت اصلاح و تغییر نداشت، اسلام انجام آن را تحریم کرد (طاشکندی، ۱۴۲۹، ص۸۱). اما از سوی دیگر، با برگزاری و حضور در جشن‌های مباح، به‌صورت ضابطه‌مند مخالفت نکرد؛ هرچند افرادی مثل ابن‌تیمیه

قائل‌اند که جز عید قربان و عید فطر، عید دیگری جایز نیست. همچنین به یُمن و برکت اسلام، مسجدالحرام به مکه و مسجد نبوی به مدینه شهرت یافت و این دو شهر علاوه بر دعا، نیایش و نماز، به دو مرکز دینی برای برگزاری احتفالات، اعیاد و مناسبات، شهرت گرفت (خطراوی، ۱۴۰۴، ص۴۰ ـ ۴۲). اولین جشن و احتفال عمومی که بعد از اسلام انجام گرفت، احتفالِ ورود پیامبرﷺ به مدینه بود (طاشکندی، ۱۴۲۹، ص۸۲) و مردم هر ساله، سالروز هجرت و ورود نبی خداﷺ از مکه به مدینه را جشن می‌گرفتند. مردم در این روز به خارج یثرب می‌رفتند و انتظارِ قدوم مبارک رسول خداﷺ را می‌کشیدند. این مراسم، با خواندن اشعار مناسب با شخصیت و رسالت پیامبرﷺ، نواختن دف، شعرخوانی دسته‌جمعی کودکان و توزیع انواع خوراکی‌ها ادامه می‌یافت؛ به‌گونه‌ای که تمامی راه‌ها و مسیرهای ورودی شهر، مملو از زنان و مردان عاشقِ رسول‌اللهﷺ می‌شد که به یمن ورود پیامبرﷺ به آن شهر، یثرب به مدینة الطیبة تبدیل گشت (ابن‌قیم جوزی، ۱۴۱۴، ج۲، ص۳۰۹). احتفالات دیگر همچون، عید فطر، عید قربان، عقیقه، ختنه، ولیمه و یوم الجمعه، از دیگر مراسم‌هایی بود که در مکه و مدینه آن روز جشن گرفته می‌شد (زهرانی، ۱۴۱۹، ج۲، ص۳۶۵ ـ ۳۶۶).

۳. ادله سلفیه در احتفال مولد نبیﷺ

سلفیان، احتفال مولد نبیﷺ را بدعت دانسته‌اند. آنان علاوه بر نهی از جشن گرفتن، حضور در مجالس جشن را نیز حرام می‌دانند. بدعت‌پنداریِ احتفال از سوی سلفیان، ماحصل چند دلیل است که در ادامه مطرح خواهند شد.

۱ـ۳. عدم انجام احتفال توسط پیامبرﷺ

اولین دلیل سلفیان بر بدعت نامیدنِ بزرگداشت میلاد پیامبرﷺ این است که عدم مطابقت عمل با عرفِ پیامبر، مساوی با عدم مشروعیت عمل در دیگر اعصار است. آنان با استناد به آیهٔ شریفهٔ ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾ (مائده:۳) بر این باورند که با نزول آیهٔ اِکمال، بایدها و نبایدها از سوی پیامبر بیان شده است. از سوی دیگر، اسلام تمامی اعیاد قبل از اسلام را حرام و حتی از بین برده و فقط دو عید را برای مسلمین تشریع نموده است (ابن‌تیمیه، ۱۴۱۹، ص۵۶). ازاین‌رو سابقه نداشتن گرامیداشت ایام ربیع‌الاول در عصرِ حیاتِ فیزیکی رسول‌اللهﷺ، به معنای عدم جواز آن پس از رحلت ایشان است.

نقد و بررسی

اولاً: هر عملی که در عرف پیامبرﷺ سابقه نداشته است، به معنای حرمت عمل در دیگر اعصار نیست. بسیاری از اعمال و مناسک در بین مسلمانان وجود دارد که در عصر پیامبرﷺ مرسوم نبوده است. از باب نمونه، نماز تراویح به‌صورت جماعت که اهل‌تسنن در ماه رمضان اقامه می‌کنند، بنا بر اعتراف اهل‌سنت، در عصر رسول‌اللهﷺ وجود نداشته است.

ثانیاً: بنا بر قواعد علم اصول، اصل اولی در عادات و افعال، حلیت و برائت است، مگر اینکه مورد نهی قرار گیرد. ازجمله دلایلی که اصل اولی حلیّت را ثابت می‌کند، این آیه است:

﴿قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ﴾؛ «بگو ای پیامبر! در آنچه به من وحی شده است بر خورنده‌ای که آن را می‌خورد هیچ حرامی نمی‌یابم مگر آنکه مردار یا خون ریخته یا گوشت خوک باشد که اینها همه پلیدند یا قربانی‌ای که از روی نافرمانی به هنگام ذبح، نام غیر خدا بر آن برده شده باشد» (انعام:۱۴۵).

ثالثاً: مسلمانان در هر عصری، با مسائل مستحدثه و جدیده مواجه هستند که اگرچه آن عمل در عصر رسول خداﷺ وجود نداشته است، اما اندیشمندان اسلامی و حتی سلفیان و وهابیان، فتوا به جواز آن عمل می‌دهند. وقتی سؤال از چرایی جواز آن مسئله می‌شود، پاسخ داده می‌شود که اگر آن عمل در عصر پیامبر سابقه نداشته است، دلیل بر حرمت آن عمل نیست؛ زیرا اسلام عمومات و قواعدی دارد که هر عملی، به آن عمومات و قواعد عرضه می‌شود و در صورت مطابقت آن عمل با عمومات و اصول، جواز آن صادر می‌گردد. مسئله جشن گرفتن سالروز ولادت پیامبرﷺ، اگرچه در زمان آن حضرت مرسوم نبوده است، لکن دلایل و عموماتی وجود دارد که با عرضه احتفال مولد النبیﷺ به آن عمومات، مشروعیت و جواز آن را نیز اثبات می‌کند؛ نظیرِ آیه شریفهٔ: ﴿وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾؛ «و هرکس شعایر خدا را بزرگ دارد، درحقیقت، آن حاکی از پاکی دل‌هاست» (حج:۱۷).

رابعاً: بنا بر گزارش‌های تاریخی، جشن گرفتن در زمان خود رسول خداﷺ مرسوم بوده

است. همان طور که قبلاً اشاره شد، یکی از جشن‌های رسمی در عصر پیامبرﷺ، جشنِ سالروزِ ورود آن حضرت به مدینه بود. مردم یثرب هر ساله سالروز ورود مهاجرین از مکه به مدینه را جشن می‌گرفتند و رسول‌اللهﷺ هیچ‌گونه مخالفتی از خود در برابر آن اعلام نداشتند (طاشکندی، ۱۴۲۹، ج۲، ص۸۲). بنابراین وقتی پیامبرﷺ با جشن ورود خود به مدینه مخالفت نکرده، طبعاً احتفال سالروز تولد سراسر میمنت ایشان که از اهمیت بالاتری برخوردار است، مانعی نخواهد داشت.

۲ـ۳. عدم انجام احتفال توسط صحابه و تابعین

دومین دلیل سلفیان در بدعت شمردن برگزاری جشن میلاد رسول خداﷺ این مطلب است که عمل (احتفال)، با عرف صحابه و تابعین مطابقت ندارد و این مساوی است با عدم مشروعیت عمل در عصر خلف.

تئوریسین جریان سلفیه، ابن‌تیمیه، می‌نویسد:

«فإن هذا لم يفعله السلف، مع قيام المقتضي له وعدم المانع منه لو كان خيرًا. ولو كان هذا خيرًا محضا، أو راجحًا لكان السلف رضي الله عنهم أحق به منا، فإنهم كانوا أشد محبة لرسول‌اللهﷺ وتعظيمًا له منا، وهم على الخير أحرص؛ باتوجه‌به این دلیل، جشن گرفتن سالروز ولادت پیامبرﷺ، کاری است که سلف (صحابه، تابعین و اتباع تابعین) و پیشینیان انجام نداده‌اند باآنکه مقتضای آن وجود داشت و مانعی نیز بر انجام آن نبود و اگر این کار، خیر محض یا راجح بود، سلف از ما سزاوارتر به انجام آن بودند؛ زیرا آنان محبت بیشتری از ما به رسول خداﷺ داشتند و از ما بیشتر پیامبر را تعظیم می‌نمودند. ازاین‌رو برگزاری و حضور در چنین مجالسی قبیح، بدعت و نتیجتاً حرام خواهد بود» (ابن‌تیمیه، ۱۴۱۹، ج۲، ص۱۲۳).

نقد و بررسی

اولاً: عمل گذشتگان نمی‌تواند مصدری برای تشریع احکام به شمار آید. بنابر اعتراف ابن‌تیمیه، مؤمنِ عالم، نباید عادات و عملکرد دیگران را نصب‌العین قرار دهد و ملاک درستی مسائل را در سیره آنان بسنجد (همان، ص۸۹).

ازاین‌رو، سلف که در موضوعات متعدد با یکدیگر اختلاف داشته‌اند، چگونه کردار ایشان در عدمِ بزرگداشت سالروز ولادت پیامبرﷺ، مصدر تشریع قرار داده می‌شود.

به‌عبارت‌دیگر، انجام دادن یا انجام ندادن صحابه در مسئله احتفال و نیز مسائل دیگر، حجت شرعی نیست مادامی‌که به نبی نسبت داده نشود.

در زمان رسول‌الله ﷺ آن حضرت برخی محدثات صحابه را که مشروعیت داشت و صدمه‌ای به نصوص شرعی نمی‌زد و مترتب بر مفسده نبود، می‌پذیرفتند و آنچه را مغایر با نصوص شرعی بود و مفسده دینی یا دنیوی داشت، رد می‌کردند (العرفج، ۲۰۱۲، ص۱۳۶). بعد از رحلت آن حضرت، صحابه برخی امور محدثه را انجام دادند و سایرین آن را انکار نکردند. مثلاً عبدالله‌بن‌عمر و عبدالله‌بن‌مسعود بعضی کلمات را در تشهد نماز زیاد کردند (همان، ص۱۴۳).

ثانیاً: بسیاری از اعمال و احکام مستحبی در اسلام وجود داشته است که گذشتگان، به‌ویژه سلف، آن اعمال مستحبی را انجام نداده‌اند؛ مانند نمازهای مستحبی و ادعیه‌ای که در ایام خاص سفارش شده است.

ثالثاً: بدعت نامیدنِ احتفال، به‌صرف انجام ندادن امور مستحدث توسط سلف، مخالفت با آیهٔ شریفهٔ ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾ است؛ زیرا بدعت شمردن هر عملی که سلف به آن عمل‌نکرده‌اند به این معناست که علاوه بر اینکه دین اسلام برای آیندگان و مسائل مستحدثه برنامه‌ای ندارد، بلکه القای شبهه نقص دین در دیگر زمان‌ها است. با اینکه اسلام با تشریع عمومات و اصول و عرضه تمامی مسائل جدیده به آن، پاسخ‌گوی هر سؤالی در هر عصری است.

۳ـ۳. بدعت بودن هر عمل تازه‌تأسیس

«هرگونه عملِ تازه‌تأسیس، بدعت است و هر بدعتی ضلالت است». تلقّی سلفیان از حدیث «فإن کل محدثة بدعة و کل بدعة ضلالة» این است که بزرگداشت سالروز ولادت پیامبر ﷺ به‌خاطرِ نداشتن هیچ‌گونه سابقه تاریخی، بدعت و ضلالت بوده است (بن‌باز، ۱۹۹۹، ج۴، ص۲۸۹).

نقد و بررسی

در پاسخ به بدعت پنداشتن احتفال، ابتدا بدعت را تعریف می‌نماییم و سپس احتفال را بر آن عرضه می‌کنیم تا مشخص شود آیا این امر مصداق بدعت است یا خیر؟

همـان طـور که در مفهوم‌شناسـی بـه معنای لغـوی و اصطلاحی بدعـت پرداختیم، بدعت در لغت به معنای کار نو و عمل بی‌سـابقه اسـت (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج۶، ص۸) و در اصطلاح، ابن‌حجر می‌نویسـد: «ما أحدث و لیس له أصل في الشرع و ما کان له أصل یدل علیه الشـرع فلیـس ببدعـة؛ بدعـت امر حادثی اسـت که دلیلی در شـریعت برای او نباشـد و اگر دلیلی در شـرع بـرای آن باشـد، بدعـت نیسـت» (عسـقلانی، ۱۳۷۹، ج۱۳، ص۲۵۳). باتوجه‌بـه تعریف بدعـت، هـر عمـل تـازه‌ای که برای آن دلیلی در شـرع وجود داشـته باشـد، اگرچـه به جهت لغوی بدعت نامیده می‌شود، اما به لحاظ شرع، بدعت محسوب نمی‌گردد.

بنابراین در پاسخ به برداشت نادرست سلفیان، می‌توان این گونه پاسخ داد که:

اولاً: شکی نیست بدعت‌گذاری در دین، ازنظر تمام مذاهب اسلامی حرام است؛ اما آیا احتفال مولد نبی ﷺ، از مصادیق بدعت شرعی است یا خیر؟ واضح است که احتفال مولد نبی ﷺ، در تعریف بدعت شـرعی نمی‌گنجد؛ زیرا برای انجام آن، دلایل گوناگون در شـریعت وجود دارد و این مخالفت‌های بی‌اساس، حکایت از بدفهمی سلفی‌ها دارد؛ ازجمله:

الف) عموماتی در قرآن وجود دارد که احتفال مولد نبی در شریعت را تایید می‌کند: ﴿وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾؛ «و هرکس شـعایر خـدا را بـزرگ دارد، درحقیقت آن حاکی از پاکی دل‌هاست» (حج:۱۷).

وقتی خداوند در آیه ۱۵ و ۳۳ سـوره مریم ﷺ، تولد حضرت یحیی و حضرت عیسـی ﷺ را بـزرگ داشـت و اکـرام کـرد و بـر آنها درود فرسـتاد، به طریق اولـی، اکرام و احتفـال به مولد نبـوی ﷺ جایز اسـت و اسـتحباب دارد و نیز خداوند در آیه ۱۵۸ بقـره، قربانی کردن در حج و صفـا و مـروه را از شـعایر الهی می‌داند؛ پس به طریق اولی، بزرگداشـت میـلاد پیامبر ﷺ، از مهم‌ترین شعایر الهی است.

ب) عموماتـی در روایـات صحیحه وجود دارد که احتفال مولد نبی ﷺ را تایید می‌کند؛ ماننـد «لا یؤمـن احدکـم حتی اکـون احب الیه من والـده و ولده و الناس اجمعین؛ کسـی از شما ایمان نمی‌آورد مگر اینکه مرا از فرزند و پدرش و تمام مردم بیشتر دوست داشته باشد» (نسـائی، ۱۹۸۶، ج۶، ص۵۳۴). ایـن حدیـث در کتاب سـنن نسـائی در ذیـل «علامت الایمان» آمده اسـت. در مراسـم احتفال، با ذکر فضایل پیامبر ﷺ و اطعام فقرا و سـایر مسـلمین، یاد

آن حضرت را زنده نگه می‌دارند و باعث محبت بیشتر مسلمین به آن حضرت می‌شوند؛ زیرا یادآوری فضایل و کرامات، سبب شناختن آن نبی مکرم می‌شود و شناخت، سرآغاز محبت است و شادی کردن مسلمین در روز ولادت آن حضرت، نشانه محبت آنهاست به رسول اکرمﷺ.

ثانیاً: در بدعت شمردن هر مسئله‌ای، نیت نقش کاملاً بسزایی دارد و اگر به‌قصد انتساب عمل به شارع نباشد، هر عمل جدیدالتأسیسی بدعت اصطلاحی نام نمی‌گیرد مشروط بر اینکه به اصول شرعی عام یا خاص مستند باشد (العرفج، ۲۰۱۲، ص۳۷۳).

۴ـ۳. منحصر بودن اعیاد اسلامی در دو عید

از دیگر ادله مخالفین احتفال این است که اعیاد اسلامی در دو عید فطر و قربان منحصر می‌گردد و به غیر از این دو، هر نوع احتفالی بدعت است: «اعیاد، از مسائل شرعیه تعبدیه به شمار می‌روند و جز دو عید قربان و فطر، عید دیگری در اسلام نیست. ازاین‌رو جایز نیست عید جدیدی احداث شود؛ زیرا خدا و رسولﷺ هستند که اجازهٔ تشریع دارند و زیاد و کم کردن آن توسط دیگران، بدعت است» (ابن‌تیمیه، ۱۴۱۹، ص۵۶)

نقد و بررسی

در نقد ادعای سلفیان ابتدا باید دو پرسش را مطرح کرد:

۱. آیا برگزاری عید به طور مطلق حرام است؟

۲. آیا محتوای مراسم عید، محل اشکال است؟

در رابطه با سؤال اوّل، اگر مراد سلفیه این است که به‌طورکلی اسلام با برگزاری جشن و بزرگداشت مخالف است، در پاسخ گفته می‌شود بسیاری از جشن‌ها در قبل و آغاز اسلام وجود داشته است که برخی از آنها تصحیح شدند و برخی خیر. همچنین این طور نیست که اعیاد از منظر اهل‌سنت محصور در عید قربان و فطر باشند؛ بلکه عید جمعه و ایام تشریق نیز از اعیاد اسلامی هستند (نسائی، ۱۹۸۶، ج۵، ص۲۵۲).

البته در مذهب شیعه، اعیاد بیشتری وجود دارد. در اسلام اعیادی وجود دارند که مسلمین در آن به جشن و سرور می‌پردازند و احتفال مولد نبوی نیز سابقه برگزاری در اعصار گذشته را داشته است (زرقانی، شرح مواهب الدین؛ سیوطی، الحاوی لفتاوی و ابن‌کثیر،

البدایه و النهایه). درنتیجه، پاسخ سؤال اول منفی است و برگزاری عید فی‌نفسه اشکالی ندارد؛ بلکه اگر با آداب اسلامی و به‌دوراز هر گناهی باشد، عملی مستحب و پسندیده است (سیوطی، ۲۰۰۴، ج۱ ، ص۲۲۸).

اما در مورد سؤال دوّم که آن هم به طور مطلق و همیشه محتوای حرامی ندارد، بلکه در موارد شاذی، در برخی احتفال‌ها ممکن است از سوی برخی افراد، معاصی‌ای سر بزند که البته معدود و نادرند و به‌خاطر موارد جزئی خطا، یک مستحب مؤکد کنار گذاشته نمی‌شود.

۵ـ۳. تشبه به کفار و تقلید از روافض

عمل احتفال باعث تشبّه به کفار می‌شود؛ زیرا نصاری در روز میلاد پیامبرشان، حضرت مسیح، چنین مراسمی برگزار می‌کردند. همچنین این عمل، تا دوره فاطمیان سابقه تاریخی ندارد و احتفال مولد نبی ﷺ، تقلید از شیعیان است (بن‌باز، ۱۹۹۹، ج۹، ص۷۲).

نقد و بررسی

آنچه ریشه در متون دینی دارد، تشبه به کفار محسوب نمی‌شود. تشبه به کفار در جایی است که امری از خصوصیات همان دین باشد؛ مثل صلیب که از نشانه‌های مسیحیت است. ضمناً اگر برگزاری جشن از طرف مسیحیان برای ولادت حضرت عیسی ﷺ قابل‌انتقاد است نه از آن جهت است که آنان روز میلاد پیامبرشان را جشن می‌گیرند؛ بلکه به سبب آن است که عده‌ای از آنان با اعتقاد به الوهیت آن حضرت، این مراسم را برگزار می‌کنند، ولی مسلمانان در برگزاری جشن میلاد حضرت رسول اکرم ﷺ هرگز چنین اعتقادی را ندارند و یکی از عمده انگیزه‌های آنان، شکر خداوند بر این نعمت بزرگ و قصد تقرب به خداوند است نه چیز دیگر.

نکته: گاهی به طعن گفته می‌شود: عمل احتفال، بدعتی است از سوی روافض در قرن چهارم و بعدازآن (همان، ج۴، ص۲۸۷).

در پاسخ می‌گوییم حتی اگر این فرض درست باشد، به‌صرف اینکه این عمل از سوی شیعیان انجام گرفته است، جواز حرام بودن و بدعت دانستن آن داده نمی‌شود و باید دلیل محکمی از نصوص شرعی بر آن داشته باشیم.

۶ـ۳. انجام معاصی فراوان در این گونه مراسم‌ها

از دیگر ادله مخالفین احتفال مولد نبیﷺ این است که برگزاری این مراسم، باعث غلو در مقام آن حضرت است؛ زیرا بسیاری از اشعاری که در آن خوانده می‌شود شرک‌آلود است و در آن اشعار، استغاثه به حضرت وجود دارد. البته گناهان دیگری مثل لهو و لعب و غنا نیز در این مراسم به وجود می‌آید (فوزان، ۲۰۰۳، ج۲، ص۶۹۲).

نقد و بررسی

این اشکال مربوط به اصل مراسم احتفال نمی‌شود؛ بلکه مشکل به برخی احتفالات میلاد پیامبرﷺ برمی‌گردد که در آن، مفاسدی مثل غنا و سماع و لهو وجود دارد و اگر در مراسم احتفال، ذکر خداوند و تکریم مقام حضرت و اطعام مسلمین باشد، هیچ منعی نخواهد داشت (سیوطی، ۲۰۰۴، ج۱، ص۲۳).

باید دقت داشت که خطا در مصادیق، باعث نفی امر کلی نمی‌شود. خطا و گناه یک یا چند مسلمان در برگزاری مراسم احتفال، مشروعیت آن را زیر سؤال نمی‌برد. درست است که در برخی از احتفالات، ممکن است گناهانی مثل سماع و لهو و غنا انجام شود، اما اکثر مسلمانانی که این مراسم را برگزار می‌کنند، احتفالشان شامل این برنامه‌هاست:

الف) تلاوت قرآن: ازجمله عادات مسلمانان، نه‌تنها در جشن میلاد پیامبر اکرمﷺ، بلکه در تمامی مناسبت‌های رسمی، با دعوت از قاریان مطرح و خوش‌صدا، مجالس را آغاز می‌کنند و پس‌ازآن نیز با تلاوت قرآن به پایان می‌رسانند.

ب) سرودن اشعار: در خلال بزرگداشت، با سرودن اشعار و مولودی‌هایی با مضامین عالی، علاوه بر توصیف شخصیت پیامبرﷺ، با تبعیت از سلوک نبوی، مستمعین و مدعوین، مورد انذار و ابشار قرار می‌گیرند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾؛ «ای پیامبر! ما تو را به‌عنوان گواه و بشارت‌دهنده و انذارکننده فرستادیم» (احزاب:۴۵).

ج) اطعام: از دیگر اعمال این مراسم، اطعام شرکت‌کنندگان است که به دلیل عمومی بودن آن، فقیر و غنی در کنار هم بر سر یک سفره می‌نشینند و بدون پرداخت هیچ‌گونه مبلغی، طعام تناول می‌کنند: ﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا﴾؛ «(و می‌گویند) ما شما را برای خدا اطعام می‌کنیم، هیچ پاداشی و تشکّری از شما نمی‌خواهیم» (انسان:۹).

د) ازدواج: برخی از مراسم‌های ازدواج، به یُمن ولادت پیامبرﷺ، در این مجالس برقرار می‌گردد و به ترویج و تبلیغ ازدواج آسان پرداخته می‌شود.

هـ) افزایش ادخال سرور: در برخی مناطق، علاوه بر موارد فوق، با استفاده از آلات موسیقی مشترک، مانند دف و نِی، به سرور جلسه می‌افزایند.

حال از سلفیه جهادی و مخالفین این گونه مجالس سؤال می‌شود، کدام‌یک از موارد مذکور، خلاف کتاب و سنت است؟ محتوای کلی مراسم، هیچ‌گونه تعارضی با کتاب و سنت ندارد و اگر در برخی مجالس، آن هم به‌ندرت، غفلتی صورت می‌گیرد و اعمالی که مورد تأیید شرع نیست انجام می‌شود، طبیعی است که این گونه مجالس، به‌حکم عقل و شرع، مشروع نیست و حضور در چنین مجالسی حرام است.

۷ـ۳. اجتماع دو امر متضاد (عزا و شادی در یک روز)

مخالفین احتفال مولد پیامبر اکرمﷺ در استدلال دیگری می‌گویند: چطور در روزی که وفات آن حضرت رخ داده، برای ولادتشان اظهار سرور و شادمانی جایز است؟ چون بر اساس نظر مشهور اهل‌سنت، تاریخ شهادت و ولادت حضرت، در دوازدهم ربیع‌الاول است (سیوطی، ۲۰۰۴، ج۱، ص۲۲۶).

نقد و بررسی

در مذهب اهل‌سنت، سالگرد عزاداری وجود ندارد و عزاداری بیش از سه روز نهی شده است، ولی در مورد موالید تأکید بیشتری وجود دارد. پس حتی اگر این هم‌زمانی تاریخی ایام وفات و ولادت آن حضرت را بپذیریم، برگزاری احتفال مولد نبیﷺ بر مراسم عزاداری رجحان خواهد داشت.

۸ـ۳. اعتقاد به نقص دین

دلیل دیگر بر بدعت بودن احتفال میلاد پیامبرﷺ این است که لازمه پذیرفتن اموری مثل احتفال، منجر به اعتقاد بر نقص دین و اتهام عدم کمال به اسلام است؛ زیرا هرآنچه برای سعادت مسلمین لازم بوده، در زمان حیات آن حضرت بیان شده است و ایشان ازآنجاکه مبلغ دین خداوند بوده، در بیان احکام و مسائل دین فروگذار نکرده‌اند و سخنی در رابطه

با جواز احتفال از جانب ایشان مطرح نشده است (بن‌باز، ۱۹۹۹، ج۹ ، ص۱۸۵)

نقد و بررسی

اینکه آن حضرت مسئله جواز احتفال را بیان نکرده‌اند، منافاتی با مبلغ دین بودن ایشان ندارد؛ زیرا ابلاغ همه امور به‌صورت جزیی از طرف ایشان لازم نبوده است و مادامی‌که امور محدثه، موجب مفسده نشوند و تعارضی با اصول شرع نداشته باشند، حرام نخواهند بود. همچنین چطور می‌شود حکم کرد که جشن گرفتن برای میلاد پیامبرﷺ با وجود تمام ادله تاریخی و شرعی، روی گرداندن از سنت است، ولی احتفال و جشن‌های چندروزه برای محمدبن‌عبدالوهاب، نه بدعت است و نه روی‌گردانی از سنت؟

۴. اصول استنباط اهل تسنن و اثبات بدعی نبودن احتفال

علاوه بر نقدهایی که به ادله مخالفین احتفال وارد است، بدعی نبودن مسئله احتفال، بر اساس اصول استنباط اهل‌سنت است. قرآن، سنت حضرت رسولﷺ، اجماع و قیاسی که مستند به کتاب خدا و سنت رسولﷺ و یا یکی از این دو باشند، به‌عنوان اصول استنباط اهل‌سنت مطرح است. بر اساس هریک از این اصول می‌توان مطابق سنت بودن مسئله احتفال را اثبات نمود. منتها باتوجه‌به اثبات این مسئله ازطریق قرآن و سنت، و ازطرفی جدلی بودن اثبات این مسئله ازطریق اجماع و قیاس، در این مجال تنها به این دو اصل بسنده می‌شود.

۱ـ۴. اثبات صحت احتفال ازطریق قیاس

قیاس، یعنی یک مسئله که حکمش بیان شده، به مسئله‌ای که حکمش بیان نشده است، ملحق گردد، مشروط به اینکه دلیل هر دو، یکی باشد.

ابن‌عباس نقل می‌کند: وقتی پیامبرﷺ به مدینه آمدند، دیدند یهودیان در روز عاشورا روزه می‌گیرند. وقتی علت را پرسیدند یهودیان گفتند: دهم محرم روزی است که خدا حضرت موسیؑ و بنی‌اسرائیل را بر فرعون پیروز کرد؛ لذا ما این روز را به جهت تکریم آن حضرت، روزه می‌گیریم. پیامبر فرمودند: ما مسلمانان، به موسیؑ از شما سزاوارتریم (بخاری، ۱۴۲۲، ج۵، ص۷۰).

باتوجه‌به این حدیث، بزرگداشت یک واقعه مهم و پربرکت مورد تأیید است؛ ازاین‌رو بزرگداشت ولادت رسول‌الله ﷺ در سالروزش ایرادی ندارد. ضمن آنکه بر اساس حدیثی دیگر، آن حضرت دوشنبه‌ها را روزه می‌گرفتند و به این وسیله، آن روز را بر دیگر روزهای هفته برتری می‌دادند. وقتی علت روزه دوشنبه از ایشان پرسیده شد، فرمودند: این روزی است که من در آن متولد شدم. وقتی خود آن حضرت، تمام دوشنبه‌ها را به همین علت تکریم می‌کردند، چه ایرادی دارد که ما یک روز در سال برای ایشان جشن ولادت بگیریم و مقام ایشان را بزرگ بداریم؟ آیا کسی منکر آن است که ولادت ایشان یک نعمت عظیم است؟ ابن‌حجر عسقلانی به‌واسطه این حدیث، به مشروعیت احتفال مولد نبی ﷺ استناد می‌کند (سیوطی، ۲۰۰۴، ج۱، ص۲۸۲).

۲ـ۴. اثبات صحّت احتفال ازطریق اجماع

از مهم‌ترین مصادر تشریع در نزد اهل‌سنت، اجماع است. اجماع یعنی حکمی که در نزد تمام علمای مهم اهل‌سنت، یکسان باشد.

مراسم احتفال مولد نبی ﷺ طبق اجماع اهل‌سنت جایز است و هیچ‌یک از علما آن را تحریم نکرده‌اند. جمیع علما آن را مستحب و فقط تعداد کمی آن را مکروه می‌دانند (ابن‌کثیر، ۲۰۰۲، ج۱۳، ص۱۵۹ و سیوطی، ۲۰۰۴، ج۱، ص۴۷).

برای پرهیز از اطاله کلام، در ادامه مطلب به نقل قول چند تن از علمای اهل‌سنت در تأیید مراسم احتفال، بسنده می‌کنیم:

الف) ابن‌حجر عسقلانی: مراسم میلاد، درحقیقت کار جدیدی است که از سلف صالح در سه قرن نخست، نقل نشده است؛ بااین‌حال باید دانست که این مراسم شامل یک‌سری محاسن و یک‌سری مسائل است. بنابراین هرکس در این روز به محاسن این مراسم پرداخت و از مسائل ناپسند دوری کرد، عملش بدعت حسنه و نیکو خواهد بود وگرنه خیر (سیوطی، ۲۰۰۴، ج۱، ص۲۸۲).

ب) ابوشامه مقدسی: یکی از بهترین کارهایی که امروزه انجام می‌گیرد، همین مراسم میلاد است که سالی یک‌بار مطابق روز میلاد پیغمبر ﷺ برگزار می‌شود و متضمن اطعام مردم و انجام اعمال حسنه و تبرعات و نیز تزئینات و ابراز شادی و سرور میان مسلمین است. این مراسم، جدا از آنکه احسان و اطعام به فقراست، نوعی تکریم و گرامیداشت

یادبود پیامبرﷺ و تجدید محبت ایشان در قلوب مردم و شکر خدا بر فرستادن چنین رحمت بی‌کرانی محسوب می‌شود (مقدسی، ۱۹۷۸، ج۱، ص۲۳).

ج) ابن‌حجر هیتمی: بدعت حسنه، طبق اجماع علما، مستحب است و مراسم میلاد و اجتماع مردم در آن روز نیز جزو بدعت‌های حسنه است (حلبی، ۲۰۰۶، ج۱، ص۱۳۷).

شبهه‌ای که ممکن است از سوی برخی سلفیان مطرح شود این است که مشکلی با اصل احتفال نداریم، اما چرا شما آن را که یک امر عام است، مقید کرده‌اید به زمانی خاص؟ اگر مقصود شما از برگزاری احتفال، تکریم و تعظیم پیامبرﷺ است، این یک امر عام است و اختصاص به زمانی خاص ندارد و هرکه قائل به این تخصیص باشد، اهل بدعت است.

جواب: خداوند برخی زمان‌ها را بر برخی دیگر برتری داده و نیز ماه ربیع را که در آن، ولادت آن حضرت قرار گرفته است. تکریم آن حضرت به نحوی خاص‌تر در این روز، منافاتی ندارد که در همه ایام، ایشان را گرامی بداریم.

ابن‌الحاج، از علمای بزرگ اهل‌سنت، چند دلیل بر برتری این ماه را ذکر کرده که برخی از آنها به این شرح است:

الف) ماه ربیع، اعدل فصول است و شریعت حضرت محمدﷺ، اعدل شریعت‌هاست.

ب) در روایت آمده است که خداوند درخت و بسیاری از غذاها و میوه‌ها را در روز دوشنبه (روز ولادت آن حضرت) خلق کرد.

ج) در لفظ ربیع، اشاره و تفألی حسنه است.

د) خداوند حکیم اراده کرد که برتری دهد این روز را به‌واسطه ولادت حضرت محمدﷺ در آن (سیوطی، ۲۰۰۴، ج۱ ، ص۲۳۰).

پس علاوه بر تکریم و تعظیم حضرت، به‌صورت عام و در همه اوقات، تعظیم و تکریم مخصوص آن حضرت در روز میلادشان به‌وسیله مراسمی مثل احتفال، جایز خواهد بود. درحقیقت، تکریم نبیﷺ از اصول ایمانی است: ﴿لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ﴾؛ «تا شما امت به خدا و رسول ایمان آورید و او را یاری و احترام کنید و صبح و شام تسبیحش گویید» (فتح:۹).

در این باره مفسرین معتقدند: مرجع ضمیر «تعزروه» و «توقروه» به رسول اکرمﷺ

بازمی‌گردد. قرطبی در تفسیرش می‌گوید: هاء در دو فعل «تعزروه» و «تؤقروه»، برای رسول اکرم ﷺ است و ضمیر «تسبحوا» به «الله» بازمی‌گردد.

ابن‌کثیر می‌گوید: در روایات ابن‌عباس و برخی دیگر، «تعزروه» به معنای «تعظموه» آمده است و «توقروه» بیان می‌کند احترام و اجلال و اکرام کسی را. و خداوند در فرستادن آن حضرت، اجلال و اکرام آن حضرت را مد نظر داشت و شکی نیست که در این احتفالات و صدقاتی که در آن داده می‌شود و عباداتی که در این مراسم انجام می‌گیرد، تعظیم و بزرگداشت برای آن حضرت است (عثمان داوود، ۱۴۲۳، ص۲۸).

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب مطرح‌شده پی بردیم که سلفیه برای ادعای خود مبنی بر بدعت بودن احتفال مولد نبی ﷺ ادله‌ای ذکر می‌کنند که در این نوشتار به هشت مورد آن اشاره شد، اما عمده دلایلی که در استدلال خود بر آن بسیار تکیه می‌کنند، سنت ترکیه و تشبه به کفار و شیعیان است که در پاسخ، هم این دو دلیل و هم ادله دیگرشان مورد مناقشه و نقد قرار گرفت.

در مورد سنت ترکیه گفتیم اگر عملی از جانب پیامبر ﷺ و صحابه ترک شده باشد، دلالتی بر حرمت آن در اعصار دیگر نیست؛ چه‌بسا در زمان حیات آن حضرت، مسلمانان برخی افعال را انجام نمی‌دادند، ولی بعد از رحلت ایشان، ضرورت پیدا کرد؛ مانند جمع‌آوری احادیث آن حضرت. ترک فعل، نشان از اباحه دارد و در سخت‌گیرانه‌ترین حالت، نشانه کراهت است و مادامی‌که نصّ شرعی مبنی بر حرمت فعل متروکی پیدا نشود، نمی‌توان به آن حکم حرمت را داد.

همچنین در مورد اینکه عمل احتفال از طرف مسلمین باعث تشبّه به کفار است، بیان شد تا زمانی که امری از مختصات یک دین نباشد، تشبّه به آن دین انجام نمی‌پذیرد. ضمن آنکه هیچ مسلمانی احتفال میلاد پیامبر ﷺ را به این نیت که از مسیحیان پیروی کرده باشد، برگزار نمی‌کند؛ بلکه این عمل را به‌قصد تقرب به خداوند و بزرگداشت مقام شامخ و والای آن حضرت انجام می‌دهد.

بر صحت احتفال مولد نبیﷺ، هم نصوص شرعی وجود دارد و هم اجماع علما. این سنت حسنه، ازطریق قیاس مورد قبول اهل‌سنت نیز قابل‌اثبات است.

پس احتفال میلاد پیامبرﷺ بدعت نیست و حتی اگر بخواهیم نام بدعت را بر آن بگذاریم، بدعتی نیکو و پسندیده است که موجب ترویج و احیای دین می‌شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن‌عمر (۱۴۰۲ق)، الفصول فی سیرة الرسول، تحقیق و تعلیقه: محمد عید الخطراوی، دمشق: مؤسسه علوم القرآن.

۳. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۴. ابن‌تیمیه، احمد (۱۴۱۹ق)، اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة اصحاب الجحیم، تحقیق: ناصر عبدالکریم الغقل، دار عالم الکتب.

۵. ابن‌فارس، احمد (۱۹۷۹م)، معجم مقاییس اللغه، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دار الفکر.

۶. ابن‌قیم جوزی، محمد (۱۴۱۴ق)، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، بیروت: مکتبه المنار الاسلامیه.

۷. ابن‌کثیر، اسماعیل (۲۰۰۳م)، البدایه و النهایه، تصحیح: عبدالله عبدالمحسن الترکی، صنعاء: دار هجر للطباعه و النشر.

۸. ازرقی، محمدبن‌عبد الله (۱۴۱۶ق)، اخبار مکة، بیروت: دار الاندلس، چاپ اول.

۹. بخاری، محمدبن‌اسماعیل (۱۴۲۲ق)، صحیح بخاری، تحقیق: محمدظهیربن‌الناصر، دمشق: بی‌نا.

۱۰. بغوی، حسین‌بن‌مسعود (۱۴۲۰ق)، تفسیر البغوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.

۱۱. بن‌باز، عبدالعزیز (۱۹۹۹م)، مجموع فتاوی، جمع و اشراف: محمدبن‌سعد شعویر، ریاض: دار القاسم للنشر.

۱۲. ثعلبی، احمدبن‌محمد (۲۰۰۲م)، تفسیر ثعلبی، تحقیق: الامام محمدبن‌عاشور، بیروت: دار احیاء التراث.

۱۳. الجوهری، ابونصر (۱۹۸۷م)، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ چهارم.

۱۴. جیزانی، محمد حسین (۱۹۹۸م)، قواعد معرفه البدع، ریاض: دار ابن‌جوزی للنشر.

۱۵. حلبی، علی‌بن‌ابراهیم‌بن‌احمد (۲۰۰۶م)، السیرة الحلبیة، بیروت: دار الکتب العلمیه.

۱۶. خطراوی، محمد العید (۱۴۰۴ق)، المدینه فی صدر الاسلام، بیروت: مکتبه دار التراث.

۱۷. خلیل، ابراهیم (۱۴۰۳ق)، «السنه الترکیه، مفهومها و حجیتها، اثرها الاسئله الوارده علیها»، مجله البیان.
۱۸. زهرانی، عائض (۱۴۱۹ق)، التاریخ السیاسی و الحضاری لمکة المکرمة، ریاض.
۱۹. السباعی، مصطفی (۱۴۱۹ق)، التکافل الاجتماعی فی الاسلام، ریاض: مکتب الاسلامی، دار الوراق، چاپ اول.
۲۰. سیوطی، جلال‌الدین (۲۰۰۴م)، الحاوی للفتاوی، بیروت: عام النشر، دار الفکر للطباعه و النشر.
۲۱. طاشکندی، عباس صالح (۱۴۲۹ق)، موسوعة مکة المکرمة و المدینة المنورة، ریاض.
۲۲. عبدالسلام، عزّالدین (۱۹۹۴م)، قواعد الاحکام فی مصالح الانام، تعلیقه: طه عبدالرووف سعد، قاهره: مکتبه الکلیات الازهریه.
۲۳. العرفج، عبدالله (۲۰۱۲م)، مفهوم البدعه و اثره فی اضطراب الفتاوی المعاصره، اَمّان: دار الفتح، چاپ دوم.
۲۴. عسقلانی، احمدبن‌حجر (۱۳۷۹ق)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت دار المعرفه.
۲۵. الفاکهی، محمدبن‌اسحاق (۱۴۲۴ق)، اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، تحقیق: عبدالملک دهیش، بیروت: دار خضر.
۲۶. فرمانیان، مهدی (۱۳۸۹ش)، آشنایی با فرق تسنن، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۷. فوزان، صالح‌بن‌فوزان (۲۰۰۳م)، مجموع الفتاوی، گرد آورنده: حمود مطر و عبدالکریم‌بن‌صالح، ریاض: دار ابن‌خزیمه.
۲۸. معطوف، لوئیس (۱۳۸۷ش)، المنجد، ترجمه: محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات اسلامی.
۲۹. مقدسی، ابی‌شامه (۱۹۷۸م)، الباعث علی انکار البدع و الحوادث، تحقیق: عثمان احمد عنبر، قاهره: دار الهدی.
۳۰. نسائی، احمد (۱۹۸۶م)، سنن نسائی، تحقیق: عبدالفتاح ابوغده، حلب: مکتبه المطبوعات الاسلامیه.